



COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

Religious Minorities in Safavid Iran through the Lens of Western Travelogues

Mehdi Zibaei *

E-mail: zibaei@soc.ikiu.ac.ir

Mohammad Kamkari **

E-mail: mohamadmamkari@gmail.com

Nabi Azadi ***

E-mail: nabiazadi@gmail.com

Received: 2025/01/03

Revised: 2025/05/15

Accepted: 2025/06/30

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.497589.1659

Abstract

One of the important issues in Iranian society is the rights of religious minorities, whose relations with the government have had many ups and downs. Examining the status of this social group in historical periods of Iran and the treatment by the government is of great importance. The Safavid era is considered one of the most influential historical periods in Iran in terms of quality and quantity. The reign of this dynasty lasted about 220 years, marking the longest and most attractive period in Iran's history after Islam. This research aims to explore the perception of travel writers during the Safavid era of the status of religious minorities. The hypothesis of this article is based on a comparative perspective taken by travel writers regarding the situation of religious minorities in Iran during the Safavid era. Essentially, the conditions of religious minorities were viewed as favorable during that time. The findings of this research reveal that: 1) religious minorities were actively involved in political and social aspects of the government; 2) this group played a significant role in the economy, commerce, and foreign trade; 3) they were able to freely practice their religious ceremonies and rituals. As a result, religious minorities experienced favorable conditions at times due to specific political and social circumstances or the tolerant attitudes of the kings, while in some historical periods they also faced social instability. This article utilizes a comparative and documentary approach to gain insight into the situation of religious minorities during the Safavid era.

Keywords: Religious Minorities, Safavids, Travelogue, Religious Freedom, Trade.

* Associate Professor of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author).

** Ph.D. Student in Political Science, Iranian Studies, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

*** Ph.D. Student in Political Science, Iranian Studies, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

اقلیت‌های دینی ایران عصر صفوی در آینه سفرنامه‌های غربی

نوع مقاله: پژوهشی

* مهدی زیبایی

** محمد کامکاری

*** نبی آزادی

E-mail: zibaei@soc.ikiu.ac.ir

E-mail: mohamadkamkari@gmail.com

E-mail: nabiazadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۹

چکیده

یکی از مسائل جامعه ایران موضوع حقوق اقلیت‌های دینی است که روابط آن‌ها با دولت‌ها با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است. بررسی وضعیت این گروه اجتماعی در ادوار تاریخی ایران به‌طور عام و رفتار دولت‌ها با ایشان به‌طور خاص از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. دوران صفویه از نظر کیفیت و کمیت، یکی از تأثیرگذارترین ادوار تاریخی ایران محسوب می‌شود. دوران حاکمیت صفویان حدود ۲۲۰ سال بود که در قالب یک دولت دینی، طولانی‌ترین و پرجاذبه‌ترین دوره تاریخ ایران پس از اسلام را برای ایران رقم زد. در این پژوهش، سؤال این است که تلقی سفرنامه‌نویسان عصر صفویه از وضعیت اقلیت‌های دینی چه بود؟ فرضیه این نوشتار بر پایه دیدگاهی تطبیقی از سوی سفرنامه‌نویسان نسبت به وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران آن زمان قرار دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: ۱- اقلیت‌های دینی در دستگاه حکومتی از کنشگری سیاسی و اجتماعی برخوردار بودند؛ ۲- این گروه اجتماعی در اقتصاد، بازرگانی و تجارت خارجی نقش مهمی را ایفا می‌کردند؛ ۳- آن‌ها در انجام مراسم و مناسک مذهبی خود نیز آزاد بودند. نتیجه اینکه اقلیت‌های دینی در فواصل زمانی، به دلیل شرایط خاص سیاسی و اجتماعی و یا نگاه تساهل‌مدارانه پادشاهان، از وضعیت مطلوبی برخوردار بودند و در بعضی از دوران تاریخی نیز بی‌ثباتی‌های اجتماعی را تجربه کردند. مقاله حاضر برای فهم وضعیت اقلیت‌های دینی در دوره صفویه از روش مقایسه‌ای و اسنادی بهره می‌برد.

کلیدواژه‌ها: اقلیت‌های دینی، صفویه، سفرنامه، آزادی مذهبی، تجارت.

* دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

جامعه ایران در دوران پیش و پس از اسلام همواره از تنوع زبانی و دینی گوناگون برخوردار بوده است. بسترهای تاریخی، فرهنگ، تمدنی و طبیعی سرزمین ایران در ایجاد چنین وضعیتی تأثیر بسزایی داشته است و با به رسمیت شناختن یک دین خاص و به قدرت رسیدن پیروان آن، دیگر اقلیت‌های دینی به حیات خود ادامه دادند. در این میان، روش برخی از دولت‌ها مبتنی بر رعایت و احترام به مذاهب دیگر بود؛ اما برخی از حکومت‌ها به دلایل وابستگی‌های زبانی و غیره، روش اقتدارطلبانه را پیش گرفته و عرصه عمومی را برای دیگر اندیشه‌ها و گروه‌ها محدود ساختند. در این میان، دولت صفوی به عنوان طولانی‌ترین حکومت ایرانی پس از اسلام، به دلیل رسمیت یافتن مذهب شیعه اثنی‌عشری در کشور، نسبت به دیگر خاندان‌های حکومتی متفاوت است؛ زیرا پیش از تأسیس حکومت صفویه، اکثر مردم ایران سنی مذهب بودند و تنها تعداد اندکی از آن‌ها که در چند مرکز قدیمی مانند قم و سبزوار سکونت داشتند، شیعه بودند (الگار، ۱۳۹۶: ۵۴).

این دولت به جهت تلفیق دین با سیاست و به دنبال آن، گشودن پای روحانیون شیعه به دربار، به یک نظام ایدئولوژیک مبتنی بر مذهب شیعه تبدیل شد و اساس مرزبندی‌های حکومت با اقشار گوناگون جامعه ایران و همچنین، معیار برخی از دوستی‌ها و دشمنی‌ها با دیگر همسایگان بر باورهای مذهبی استوار گشت. شاید بتوان یکی از دلایل سقوط صفویه را اهمیت ندادن به اقلیت‌های دینی و سرکوب آن‌ها در زمان شاه سلطان حسین دانست؛ به گونه‌ای که آزار و اذیت بازرگانان یهودی، ارمنی و زرتشتیان در آن دوران صدمات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کشور وارد نمود. برای نمونه با تحت فشار گذاشتن زرتشتیان در ترک اجباری دین خویش و قبول اسلام، آن‌ها مجبور شدند به کرمان بگریزند (فوران، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

در این دوران، علاوه بر کتب و ادبیات سیاسی - اجتماعی تولیدشده توسط نویسندگان بومی، شاهد نگارش مجموعه آثار ارزشمندی هستیم که توسط سیاحان اروپایی به رشته تحریر درآمدند. این مهم بیش از هر چیز ناشی از وضعیت پررونق اقتصادی ایران در دوران صفوی بود که زمینه حضور و فعالیت این سیاحان را در کشور فراهم ساخت. سیاحان روزگار صفوی با ایجاد و ثبت سفرنامه‌ها (در قالب نگارش خاطرات سفر) به شرح و توصیف واقعیت، طراحی و نقاشی از دیده‌ها و نگارش شنیده‌ها، به دور از تخیل و با بیان زمان و مکان دقیق پرداخته‌اند.

در این دوره، سیاحان متعددی از طبقات و پایگاه‌های متفاوت از قبیل تجار و

بازرگانان، مبلغان مذهبی، سفیران و هیئت‌های رسمی سیاسی، جهانگردان، هنرمندان و دانشمندان با انگیزه‌ها و اهداف مختلف سیاسی، تجاری، علمی، مذهبی، فرهنگی و هنری از کشورهای مختلف وارد ایران شدند. با توجه به توضیحات یادشده، این امکان وجود دارد که با استفاده از فحوای سفرنامه‌های به نگارش درآمده در دوران صفویه، شناخت بهتری از وضعیت و جایگاه اقلیت‌های دینی به‌عنوان یک طبقه اجتماعی در دوران مورد بحث حاصل گردد؛ زیرا سفرنامه‌ها گزارش وقایع و اتفاقات حادث‌شده بر این مسافران و نکات و اطلاعاتی درباره موضوعاتی است که توجه مسافر را به خود جلب نموده و برای آن‌ها جذاب بوده است (استیونز، ۲۰۲۱: ۴۲۱).

در هر صورت، خواه مسافر داخلی باشد یا خارجی، با ورود به جغرافیای جدید تلاش کرده‌اند تا آنچه برای آن‌ها جالب، جذاب و جدید بوده را به نگارش درآورند. به‌طور معمول، مطالبی که سیاحان مورد توجه قرار داده‌اند، فقط منحصر به وقایع سیاسی نبوده است؛ بلکه شامل موضوعات و رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که احساس می‌کردند با وضعیت یا حادثه‌ای روبه‌رو شده‌اند که در دیگر مناطق سابقه نداشته است؛ به‌این‌ترتیب، سفرنامه‌ها می‌توانند اطلاعاتی دست اول در اختیار پژوهشگر قرار دهند که در دیگر منابع تاریخ‌نگاری قابل دسترسی نیست و همین امر باعث شده تا سفرنامه‌ها یکی از منابع تاریخ‌نگاری برای هر دوره به‌شمار آیند. در ادامه نوشتار حاضر، در قسمت سابقه پژوهش این حوزه به تفاوت مقاله حاضر با آثار به‌چاپ‌رسیده پرداخته خواهد شد. سپس در قسمت چهارچوب مفهومی، به موضوع اقلیت‌های دینی پرداخته می‌شود و از روش‌های اسنادی و مقایسه‌ای برای استخراج داده‌ها از سفرنامه‌ها به‌عنوان منابع گردآوری اطلاعات در این مقاله استفاده می‌شود. در بخش بعد، مختصاتی موجز از ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وضعیت اقلیت‌های دینی در سفرنامه‌های به نگارش درآمده توسط سیاحان اروپایی در عصر صفوی، مورد کنکاش قرار خواهد گرفت تا خواننده بیشتر با وجوه مختلف آن‌ها آشنا شود.

پیشینه پژوهش

تا زمان نگارش این مقاله، پژوهش مقایسه‌ای از وضعیت اقلیت‌های دینی در سفرنامه‌های عصر صفوی به شکل عام انجام نشده است؛ اما به‌صورت جداگانه، تحقیقاتی درباره اقلیت‌های دینی عصر صفوی انجام شده است که به‌اختصار به آن‌ها اشاره خواهد شد. حسن احمدیان دلاویز (۱۳۹۷) در کتاب *تعامل حکومت صفویه با*



اقلیت‌های دینی و مذهبی به بررسی وضعیت اقلیت‌های دینی در دوره شاه‌عباس اول تا سقوط دولت صفوی می‌پردازد. این کتاب در پنج فصل و یک نتیجه‌گیری به همراه فصلی در کلیات تنظیم شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تبیین همکاری و تعامل مثبت و سازنده حکومت صفویه با اقلیت‌های دینی ارامنه، یهودیان، زرتشتیان، هندوها و اقلیت مذهبی یعنی اهل سنت، هدف اصلی مؤلف است و مباحثی مانند تعامل اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی در این اثر بررسی شده است. همچنین، مناطق مختلف جغرافیایی که سکونتگاه این اقلیت‌ها بوده شناسایی شده و در فصل پایانی نیز به آسیب‌ها و پیامدهای این تعامل اشاره شده است. این کتاب می‌تواند بستر سیاسی را برای فهم اقلیت‌های دینی در دوران حکومت صفویه فراهم آورد.

هادی نصیرزاده (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود به نام «بررسی تاریخی وضعیت اقلیت زرتشتی عصر صفویه، در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (با تکیه بر عصر شاه عباس اول)»، به بررسی جایگاه اقلیت زرتشتی در عصر صفویه می‌پردازد. این پژوهشگر به سیر تاریخی آیین زرتشت در ایران توجه دارد و در دوره صفویه، بحث‌های اصلی خود را در سه فصل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌کند. تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که اقلیت‌های زرتشتی درازای ایجاد امنیت، به شاهان صفوی مالیات پرداخت می‌کردند. شاه عباس به دلیل ترس از دست دادن قدرت خویش، دستور به تبعید زرتشتیان به سوی اصفهان و جمع‌آوری کتاب‌های شاه بهرام ورجاوند را داد. با وجود این، شاه عباس در بعضی از مراسم خود از سفرای خارجی و اقلیت‌های دینی تجلیل می‌کرد. بعد از شاه عباس، فشارهای سیاسی بر زرتشتیان چندین برابر شد. صفویان در سیاست‌های دینی خود رفتار متعارضی داشتند. زرتشتیان در این دوره بیشتر به شغل‌های کشاورزی، کارگری روزمزد و پشم‌ریسی مشغول بودند و به دلیل اختلاف دینی که با آنان داشتند به امور تجاری و اقتصادی آن‌ها توجه نمی‌شد. بیشتر ساختار اجتماعی و زندگی اقلیت زرتشتی در شهرهای اصفهان، یزد و کرمان بود؛ باین حال، تعداد دقیق آن‌ها مشخص نیست. درخصوص مسائل فرهنگی - مذهبی اقلیت زرتشتی و آزادی عمل آن‌ها نیز به موضوعاتی همچون جشن نوروز، لباس و پوشاک، خط و زبان و تقویم، یکتاپرستی، معابد، آتشکده‌های زرتشتی و تدفین مردگان و غیره پرداخته می‌شد.

محمدرضا طالبی طاهر (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی چگونگی تعامل حکام صفوی با اقلیت‌های دینی (زرتشتیان و یهودیان)»، به این پرسش پاسخ می‌دهد که تعامل رهبران سیاسی و مذهبی عصر صفویه با اقلیت‌های دینی ازجمله زرتشتیان و یهودیان



چگونه بوده است؟ تحقیق حاضر مطالعه‌ای تاریخی است که با روش توصیفی - تحلیلی و گاه مقایسه‌ای، به بررسی رفتار پادشاهان صفوی و روحانیت شیعه و دیگر صاحب‌منصبان این دوره با اقلیت‌های زرتشتی و یهودی پرداخته است. نتیجه اینکه اقلیت‌های زرتشتی و یهودی در این دوره، باوجود اینکه گهگاه به دلیل شرایط خاص اجتماعی و یا نگاه مداراگونه برخی از پادشاهان و روحانیون وضعیت همراه با آرامش را به‌طور کوتاه‌مدت تجربه می‌کردند؛ اما در اکثر دوران تاریخی وضعیت اسفناک و رنج‌آوری داشتند.

عباس مسیحا و حسن زندیه (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و تحلیل مناسبات صفویان با اقلیت‌های مسیحی در ایران از ۹۰۷ تا ۱۱۰۰ ق» درصدد پاسخ به این سؤال هستند که در این دوره گروه‌های مسیحی در ایران چه وضعیتی داشتند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زمان شاه اسماعیل صفوی که دوره ستیز با اهل سنت بود، گزارش نامطلوبی درخصوص تعامل با اقلیت‌های دینی وجود ندارد. در دوره پادشاهی شاه تهماسب نیز تنها گزارش برخورد «جنیکسن» قابل توجه بوده و در این راستا، اخبار نامناسبی درباره اقلیت‌های دینی بازگو نشده است. در زمان حکومت شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده، به سبب ناکارآمدی و ضعف قدرت مرکزی، وضعیت مسیحیان چندان مشخص نیست؛ اما در دوران شاه عباس اول، به مجموعه مفصلی از روابط و تعاملات مسیحیان با نظام سیاسی اشاره دارد. این مقاله ضمن استفاده از این نتایج می‌کوشد تفاوت‌ها و اشتراکات وضعیت‌های اقلیت‌های دینی را در سفرنامه‌های عصر صفوی توضیح دهد.

در میان آثار نگاشته‌شده به زبان انگلیسی، کتاب *مناظرات کلامی بین مسلمانان و مسیحیان در ایران عصر صفوی* نوشته آلبرتو تیپورسیم (۲۰۲۲) اثری قابل توجه است. مؤلف در این کتاب به بررسی تاریخ تبادلات کلامی مسلمان و مسیحی در ایران طی قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم می‌پردازد. این پژوهش با گسست پیوندهای جدل و سایر اشکال آموزش اسلامی و با تأکید بر ویژگی شیعی پرونده موردبحث، پویایی جدلی را به‌عنوان یک ژانر در حال تکامل که قادر به انطباق با زمینه‌های مختلف تاریخی است، توضیح می‌دهد.

اثر دیگر در این حوزه مربوط به ویلم فلور و ادموند هرزیگ (۲۰۱۲) است که با گردآوری کتاب *ایران و جهان در عصر صفوی*، اثری ماندگار درباره تعاملات فرهنگی و سیاسی این دوران با جهان پدید آوردند. براساس داده‌های این کتاب، دوران صفویه در تاریخ ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. در زمان صفویان یعنی در بازه بین قرن شانزدهم تا میانه قرن هجدهم میلادی، ایران دگرگون شد و دولتی پدید آمد که از چند



جهت پیشرو ایران امروزی بود. این عصر به خاطر کمک‌های فراوانش به فرهنگ ایرانی و هنرهای جهان اسلام، تقابل نظامی شدید با همسایگان عثمانی و مغول و ارتباطات روبه‌رشد با اروپای غربی شناخته می‌شود. به استثنای تماس‌های دیپلماتیک و تجاری با کشورهای اروپای غربی، اطلاعات اندکی درمورد روابط خارجی صفویان، شامل مبادلات تجاری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها با سایر نقاط جهان وجود دارد. این پژوهش چشم‌اندازی نوین درخصوص روابط خارجی ایران در عصر صفوی ارائه می‌دهد. کتاب موردبحث این تصور دیرینه را به چالش می‌کشد که با پذیرش تشیع، ایرانیان در انزوای نسبی قرار گرفتند. این اثر بیشتر نشان می‌دهد که آن‌ها به شیوه‌های بی‌سابقه و هیجان‌انگیزی با جهان درگیر شدند. این کتاب پیشگامانه با بررسی چگونگی تلقی ایران از خود و همچنین، نگاه آن به جهان خارج، نور جدیدی بر تاریخ روابط ایران با جهان فراتر از مرزهایش می‌افکند و درک ما را از این دوره محوری گسترش می‌دهد.

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، مشخص می‌شود که پژوهش پیش رو از ابعاد مختلف، با آثار موجود متفاوت است. عمده‌ترین تفاوت به منابع موردبررسی برمی‌گردد. نوشتار حاضر به‌طور خاص بر سفرنامه‌های نگاشته‌شده توسط سیاحان اروپایی در عصر صفوی متمرکز است. در این مقاله، دیدگاه این سیاحان پیرامون وضعیت اقلیت‌های مذهبی در ایران عصر صفوی برای خواننده منعکس خواهد شد.

چهارچوب مفهومی

مفهوم علمی اقلیت در جامعه‌شناسی نخستین بار به‌طور نظام‌مند توسط رابرت ای. پارک و محققان مدرسه شیکاگو در اوایل قرن بیستم مطرح شد؛ اما کارل مانهایم و رایت مفهوم اقلیت را به‌صورت مدرن تعریف کردند: اقلیت گروهی است که در موقعیتی نامساوی از نظر اجتماعی یا قدرتی قرار دارد؛ چه این وضعیت ناشی از ویژگی‌های فیزیکی، فرهنگی یا دینی باشد (ویرث، ۱۹۴۵: ۳)؛ ازاین‌رو، واژه اقلیت شامل گروه‌های قومی، زبانی، نژادی و مذهبی است که نسبت به جمعیت کلی یک کشور از نظر تعداد کمتر هستند. این گروه‌ها به دلیل ویژگی‌های خاص قومی، مذهبی یا زبانی‌شان با سایر گروه‌ها تفاوت دارند و برای حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب یا زبان خود احساس همبستگی و هم‌پیوندی پیدا می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۶؛ عزیزی، ۱۳۸۵: ۷۸). اقلیت‌های دینی به‌عنوان گروه‌هایی از جامعه تعریف می‌شوند که باورهای دینی آن‌ها از باورهای غالب جامعه متفاوت است و بیشتر اوقات از قدرت سیاسی، اجتماعی یا حقوقی کمتری نسبت به بیشترین قشر جامعه برخوردارند. وجود اقلیت‌های دینی در بسیاری از کشورها

به یکی از موضوعات مرکزی در مطالعات علوم سیاسی، جامعه‌شناسی تاریخی تبدیل شده است. این گروه‌ها ممکن است تحت فشارهای ساختاری، تمایز قانونی، تبعیض اجتماعی یا حتی خشونت قرار گیرند. به‌ویژه در کشورهایی که نظام سیاسی یا قانونی آن‌ها بر پایه یک دین یا جریان دینی خاص استوار است (فاکس، ۲۰۰۸: ۱۴). بدین معنا، اقلیت‌های دینی گروه‌هایی هستند که با داشتن باورهای متفاوت به دین غالب جامعه، در موقعیتی نامساوی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوقی قرار می‌گیرند. این وضعیت در کشورهایی که نظام سیاسی یا قانونی آن‌ها بر پایه یک دین خاص استوار است شدیدتر می‌شود و ممکن است منجر به تبعیض، فشارهای ساختاری یا حتی خشونت علیه آن‌ها شود. درک این مسئله از طریق حوزه‌های علمی مانند علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی به ما کمک می‌کند تا الگوهای رفتاری دولت‌ها و جوامع نسبت به اقلیت‌های دینی را بهتر تحلیل کنیم؛ بنابراین، توجه به حقوق اقلیت‌های دینی و تضمین برابری فرصت‌ها برای آن‌ها، ضرورتی انسانی و سیاسی محسوب می‌شود.

روش مقایسه‌ای یکی از قدیمی‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحقیق در علوم سیاسی است که به مطالعه و مقایسه سیستم‌های سیاسی، مؤسسات، فرایندها و رویدادهای سیاسی در دو یا چند واحد مختلف (مانند کشورها، مناطق یا دوره‌های زمانی) می‌پردازد. این روش به شناسایی الگوها، تفاوت‌ها، شباهت‌ها و عوامل مؤثر در تحولات سیاسی کمک می‌کند. روش مقایسه‌ای را می‌توان به‌عنوان «فرایندی منطقی برای شناخت علت و اثر طبیعی یا غیرطبیعی متغیرهای سیاسی از طریق مقایسه واحدهای سیاسی مختلف» تعریف کرد (آلموند و پاول، ۱۹۶۶: ۲۰). اهداف اصلی این روش شامل شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین سیستم‌های سیاسی، توسعه نظریه‌های عمومی درباره ساختارها و عملکرد سیستم‌های سیاسی، تعمیم‌یافته‌ها از موارد خاص به موقعیت‌های دیگر و شناسایی عوامل مؤثر در پایداری، تحول یا شکست نظام‌های سیاسی است.

روش مقایسه‌ای انواع مختلفی دارد؛ مقایسه کلان که به مقایسه سیستم‌های سیاسی کشورها یا مناطق گسترده می‌پردازد و مقایسه خرد که شامل مقایسه واحدهای کوچک‌تر داخلی مانند مناطق داخلی یک کشور است؛ مقایسه‌ی زمانی که به مقایسه‌ی یک واحد در طول زمان می‌پردازد و مقایسه‌ی مقطعی که چند واحد را در یک لحظه از زمان با یکدیگر مقایسه می‌کند (لیپهارت، ۱۹۷۱: ۶۸۵). مراحل اجرای این روش شامل تعیین موضوع و هدف مقایسه، انتخاب واحدهای مقایسه، تعریف معیارهای مقایسه (متغیرهای مستقل و وابسته)، گردآوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر نتایج و درنهایت، نتیجه‌گیری و تعمیم‌دهی



است. در نوشتار حاضر، از رهیافت تطبیقی برای فهم وضعیت اقلیت‌های دینی استفاده می‌شود. قیاس و روش مقایسه‌ای به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در سراسر رشته‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقایسه در تجزیه و تحلیل سیاسی به اهداف گوناگون خدمت می‌کند و با مشاهده شیوه‌هایی که طی آن‌ها به مسائل سیاسی در ساختارهای گوناگون پرداخته می‌شود و فرصت‌های ارزشمندی که برای یادگیری فراهم می‌سازد، دانشجو را در معرض ایده‌ها و چشم‌اندازهای نوین قرار می‌دهد (مارش و استوکر، ۲۰۱۰: ۲۸۵). شاید کارکرد اصلی مقایسه در علوم سیاسی طراحی، آزمودن و پالایش فرضیه‌ها درباره روابط علیت باشد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین موضوع در رهیافت مقایسه‌ای، مشخص نمودن موارد مشابه و متفاوت است (کوثری، ۱۳۸۷: ۲۵۵). البته هر مقایسه‌ای نیازمند زمینه مشترک است؛ آنچه زمینه مقایسه سفرنامه‌ها را مهیا می‌سازد را می‌توان چنین خلاصه نمود: ۱- توجه سفرنامه‌نویسان به مسئله اقلیت‌های دینی و ارزیابی آن‌ها از این مفهوم؛ ۲- بررسی وضعیت این طبقه اجتماعی در حکومت؛ ۳- التزام آنان به داده‌های تاریخی؛ از این رو، مقایسه سفرنامه‌نویسان نه تنها می‌تواند حاوی نوآوری‌های بسیار نسبت به اقلیت‌های دینی در عصر صفوی باشد؛ بلکه آزمونی برای سنجش استدلال‌های آنان نیز است. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی خواهد شد وضعیت سیاسی - اجتماعی اقلیت‌های دینی عصر صفوی با تکیه بر آثار سفرنامه‌نویسان بررسی شود و تفاوت دیدگاه آن‌ها در رابطه با اقلیت‌های دینی مشخص گردد.

وضعیت مذهبی اقلیت‌های دینی در سفرنامه‌های عصر صفوی

اعتقادات و اندیشه‌های مذهبی همواره یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری حکومت‌ها و چگونگی نوع برخورد آن‌ها با جمعیت خود و دیگر ملت‌ها بوده است. سابقه حضور اقلیت‌های دینی در ایران طولانی است و آن‌ها در ادوار مختلف تاریخ ایران از جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. در عصر صفویه، اقلیت‌های دینی به عنوان اهل ذمه شناخته می‌شدند؛ از لحاظ اعتقادی، به مبانی و اصول دینی خود پایبندی داشته و مجبور به تغییر دین نبودند.

پادشاهان صفوی در رابطه با اقلیت‌های دینی در ممالک محروسه سختگیر نبودند و پادشاهان آن‌ها را با زور و ارعاب مسلمان نمی‌کردند تا بتوانند در کشور اعمال قدرت و نفوذ داشته باشند. مردم در انجام آموزه‌های دینی خود آزاد بودند و به دولت اسلامی مالیات می‌پرداختند. این موضوع در دیدار شاردن از آتشکده آذربایجان به صورت کامل



نمایان است که می‌گوید: «در این معبد آتش محافظت را می‌بینید که آتش پرستان آن را خدا می‌خواندند و پیشوای کل مذهبی آن‌ها یعنی موبد موبدان، در آنجا سکونت داشته است و اشخاصی برای زیارت این آتشکده نایل می‌شدند» (شاردن، ۱۳۳۵، ج ۲: ۳۹۶). شایان ذکر است آزادی در سبک لباس پوشیدن اقلیت‌ها نیز مورد توجه سفرنامه‌نویسان قرار گرفته است. آن‌ها می‌توانستند از کلاه‌ها و عمامه‌های بلند استفاده کنند و حتی در مواقعی اضطراری، شاهان به آن‌ها کمک مالی می‌کردند و برای آن‌ها کلیسا می‌ساختند. دلاواله در این زمینه می‌نویسد: «در شهر فرح‌آباد مسلمانان اقلیت هستند و اکثریت مسیحیان متعلق به فرقه‌های مختلف به‌خصوص ارمنی‌ها و گرجی‌ها هستند که مجازند هر چقدر مایل باشند، کلیسا بسازند. این درحالی است که در ترکیه و سایر کشورهای اسلامی، نه تنها ساختن کلیسای جدید مجاز نیست، بلکه تجدید بنا و تعمیر یک کلیسای قدیمی نیز جز با پرداخت مبالغ زیادی به حکومت امکان‌پذیر نیست؛ درحالی‌که در ایران مسیحیان می‌توانند هر چقدر بخواهند کلیسا بنا کنند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۷۴).

بر این اساس، اقلیت‌های دینی در اجرای مراسم و مناسک عبادی خود آزاد بودند و می‌توانستند بدون ترس از دولت ایدئولوژیک شیعی، به احداث بناها و اماکن مذهبی در دورترین نقاط کشور از جمله خلیج فارس بپردازند. برای نمونه، در هرمز تعداد اندکی مسیحی ثروتمند حضور داشتند که در کنار صد خانوار یهودی زندگی می‌کردند، آن‌ها آزاد بودند در صومعه‌ها و کلیسای آگوستین فرایض دینی خود را به‌جای آورند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۶۴-۵۴). از این تصویر می‌توان نتیجه گرفت که اقلیت‌های دینی حتی در دورترین نقاط ایران در دوره صفوی حضور پررنگی در کنشگری اقتصادی داشتند و به‌راحتی از آزادی مذهب برخوردار بودند. این موضوع در جشن تولد حضرت مسیح (ع) در شهر اصفهان نیز نمایان است و همه افرادی که ملیت آن‌ها ارمنی است در محل جشن که مقر رئیس روحانیون مسیحی اصفهان است گرد هم می‌آمدند. براساس سفرنامه فیگوئروا، اقلیت‌های دینی در انجام مراسم عبادی خود و حضور در تجارت کشور نقش پررنگی داشتند و آزادانه می‌توانستند مراسم مذهبی خود را انجام دهند و در این جشن از نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف حضور داشتند.

اولثاریوس از جمله سفرنامه‌نویسانی است که مطالعه‌ای تطبیقی از وضعیت اقلیت‌های دینی در دولت‌های عثمانی و صفوی ارائه می‌دهد. او در وهله‌ای اول از وجود کلیساهای زیاد و آزادی مسیحیان در انجام مراسم مذهبی خود در ایران شگفت‌زده است و می‌نویسد: «اسقف ارمنی به دیدار سفیر آمد. ... از شاه ایران تمجید می‌کرد که به مسیحیان آزادی



نمی‌رساندند و مانع از انجام مراسم مذهبی ارامنه نمی‌شوند و در گرفتن خراج و مالیات نیز به اندازه ترک‌ها سختگیری نمی‌کنند ... ارامنه در ایران بالغ بر ۵۰۰ کلیسا دارند» (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۴۸۵). در این چهارچوب، وی با مقایسه جایگاه اقلیت‌های دینی در عصر صفوی نسبت به عثمانی‌ها، وضعیت آن‌ها را مساعد و مطلوب می‌بیند؛ چراکه مسیحیان به راحتی می‌توانستند کلیساهای خود را به سبک و سیاق معماری موردنظرشان بنا کنند و مراسم دینی خود را باشکوه برپا نمایند؛ به عبارت دیگر، ثروتمندترین و معتبرترین تجار ایرانی ارامنه مسیحی هستند که دائماً میان ایران و کشورهای خارجی درحال مسافرت بودند؛ زیرا ایران برخلاف روسیه، یک کشور باز است و مردم ایران و خارجی‌ان می‌توانند آزادانه به کشور وارد و از آن خارج شوند و هر معامله تجاری که بخواهند انجام دهند. البته تنها محدودیت حاکم بر این وضعیت، پرداخت عوارض و حق گمرک به دولت بود (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۶۵۹). بدین ترتیب، بزرگ‌ترین تجار و بازرگانان عصر صفوی ارامنه بودند که در جنگ‌ها و محاصره‌های اقتصادی ایران توسط دشمنان خارجی تأثیر بسزایی داشتند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که اقلیت‌های دینی در عصر صفوی به راحتی با پرداخت حق گمرکی، کالای تجاری خود را از ایران صادر یا به کشور وارد می‌کردند.

از آنجاکه به‌طور معمول، اقلیت‌های دینی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی دارند، موضوع مهم در حقوق اقلیت‌های دینی، حمایت از آن‌ها در قبال تبعیض‌های دینی، حذف و خشونت است. تاورنیه در سفرنامه خود از این منظر به وضعیت اقلیت‌های دینی به‌عنوان یک گروه اجتماعی می‌پردازد. به بیان وی: «در کاشان قریب به یک هزار خانوار یهودی ساکن هستند؛ در اصفهان ۶۰۰ خانوار یهودی زندگی می‌کنند؛ اما تعداد آن‌ها در قم بیش از ده خانوار نمی‌شود. یهودی‌های قم و کاشان و به‌ویژه یهودیان اصفهان خود را از نسل یهودا می‌دانند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۸۶). به عبارتی، تاورنیه یک جامعه آماری از وجود اقلیت‌های دینی در شهرهای قم، کاشان و اصفهان ارائه می‌دهد که آزادانه و برخوردار از حقوق شهروندی، در پرتو مذهب مربوطه در جامعه ایران صفوی درحال فعالیت هستند.

وضعیت مناسب اقلیت‌ها در ایران و رفتار پادشاهان صفوی با آن‌ها تنها مربوط به یک دوره خاص نبوده است، بلکه می‌توان چنین رفتار مساعد و مطلوبی را در زمان شاهان مختلف صفوی با استناد به سفرنامه‌ها مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، سانسون یک مبلغ مسیحی بود که برای تبلیغ و ترویج دین مسیحی در دوره پادشاهی سلیمان صفوی به ایران سفر کرد و به زبان فارسی مسلط شد و سال‌های طولانی در ایران زندگی کرد؛



از این رو، او به بیشتر ویژگی‌های دربار ایرانیان و سنت آن‌ها شناخت داشت و با آن مأنوس بود. او در سفرنامه خود از علاقه شاه به مسیحیان و حسن رفتار شاه با آن‌ها صحبت می‌کند: «شاه به مسیحیان علاقه دارد و نمی‌خواهد به دلیل مذهبشان اسباب ناراحتی آن‌ها را فراهم کند و هرگز راضی نیست که آن‌ها را به‌زور مجبور به پیروی از دین محمد (ص) کند. چنانچه مسیحیان نزد شاه شکایت بیاورند که به‌زور آن‌ها را وادار کرده‌اند دین مسیح را ترک نمایند، شاه به‌آسانی موافقت می‌کند که دوباره به دین مسیح برگردند. در سالیان گذشته، شاه نشان داده است که به‌هیچ‌وجه موافق سوءاستفاده از فقر و بیچارگی مسیحیان برای مجبور نمودن آن‌ها به پذیرش دین اسلام نیست (سانسون، ۱۳۴۶: ۳۱). چنانچه مشاهده می‌شود، این سفرنامه نیز مانند دیگر سفرنامه‌ها، به خوش‌رفتاری شاهان صفوی نسبت به اقلیت‌های دینی اشاره دارد. به‌گونه‌ای که هیچ برنامه اجباری برای تغییر کیش اقلیت‌های دینی وجود نداشت و در موارد استثنایی نیز فرد غیرمسلمان می‌توانست به دین و آیین قبلی خود بازگردد.

وضعیت سیاسی - اقتصادی اقلیت‌های دینی عصر صفوی

ارتقا و حمایت از حقوق اقلیت‌ها نیازمند توجه به مسائلی خاص از قبیل شناسایی موجودیت اقلیت‌ها و ارتقای مشارکت آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی بشری است. این وضعیت سیاسی - اقتصادی مساعد و مطلوب در بعضی از ادوار تاریخی صفویه قابل مشاهده است. به‌طوری‌که آن‌ها قادر بودند به‌راحتی با دربار دولت شاهنشاهی وارد تجارت شوند. در این ارتباط، پیترو دلاواله در سفرنامه‌ی خود به وضعیت سیاسی اقلیت‌های دینی و منزلت و جایگاه آن‌ها نزد پادشاه پرداخته و به آزادی عمل افراد خارجی و اقلیت‌های دینی براساس آیین و قوانین خود اشاره می‌کند: «افراد خارجی از هر کشور و مذهب دیگری که باشند طبق قوانین خاص خود زندگی می‌کنند و هر قومی در امور مدنی و جزایی، حقوق مخصوص به خود را دارند و شاه در امور آن‌ها دخالت نمی‌کند. حتی افراد زیر دست خارجی‌ها (سفرا، مهمانان شاه و غیره) نه فقط درباره هم‌وطنان خود، بلکه در مورد تمام کسانی که به‌نحوی در خدمت آنان هستند، از این مزیت برخوردارند. تمامی رؤسای هیئت‌های مذهبی به‌عنوان مهمان شاه از همین مزایا برخوردارند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۶۲).

حتی پادشاهان ایرانی متوجه شده‌اند که برای رسیدن به یک اقتصاد قوی باید از حضور اقلیت‌های دینی استفاده شود؛ چنان‌که آزادی و وضع مطلوب اقلیت‌های دینی



در اصفهان و توجه ویژه شاه‌عباس به آن‌ها به‌حدی بود که دلاواله درصدد ایجاد یک «رم جدید» در ایران بود. «شاه همان‌طور که بارها بیان داشته، حاضر است در صورتی‌که ما درخواست کنیم به حد کافی زمین در اختیارمان بگذارد تا در آنجا زندگی کنیم و به آبادانی بپردازیم و بدین‌ترتیب، خواهیم توانست در این نقطه از جهان یک جامعه بزرگ کاتولیک تشکیل دهیم که خیال دارم اسم آن را رم جدید بگذارم» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۵۵). با توجه به توضیحات مورداشاره در سفرنامه دلاواله می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اقلیت‌های دینی در عصر صفویه نسبت به کشورهای همسایه از جمله عثمانی، از شرایط بسیار مساعدتری برخوردار بودند؛ چراکه حتی برخی از اروپاییان به‌واسطه برخورداری از امنیت کامل مالی و جانی، فکر مهاجرت دائمی به ایران را در سر می‌پروراندند.

علاوه‌براین، دلاواله به آوازه خوش‌رفتاری شاه‌عباس دوم با مسیحیان در اروپا اشاره دارد و می‌نویسد: «در اروپا به‌خصوص در رم، سروصدایی پیچیده بود که شاه عباس با آنکه کافر است، هیچ‌گونه کینه‌ای نسبت به مسیحیان ندارد؛ بلکه علاقه‌مند است که آنان به‌راحتی در ایران زندگی کنند». پاپ کلمنت هشتم درصدد بود از این موقعیت استفاده کند و با فرستادن تعدادی واعظ، موجبات ترویج مذهب کاتولیک را در ایران فراهم آورد. «او برادر الیزه از پابرهنگان اصلاح‌طلب را نزد شاه عباس فرستاد و شاه ایران با مهمان‌نوازی که از آن برخوردار بود، مسیحیان آگوستینی را پذیرا شد؛ از آن‌ها استقبال کرد و دستور داد ملک و زمین‌هایی در اختیار آن‌ها بگذارند و مسیحیان شانس این را داشتند که در امنیت کامل و با خیال راحت به زندگی خود ادامه دهند و همین‌طور کلیسای کوچکی برای مراسم دینی آن‌ها تأسیس شد» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۱۹). بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که گرجی‌ها، نسطوری‌ها و به‌ویژه ارمنی‌ها در زمان صفویان و پادشاهی شاه عباس دوم در امنیت کامل قرار داشتند و حتی از حقوق مالکیت برخوردار بودند. شاه‌عباس می‌دانست برای اینکه بتواند در مقابل کشورهای بیگانه مقاومت کند باید از اقتصاد قوی بهره‌مند شود و این موضوع بدون حضور اقلیت‌های دینی امکان‌پذیر نبود.

دوران صفوی، عصر بزرگداشت عظمت ایران و تجدید بنای حکومت ایرانی بر ایالات مختلفی است که پس از سرنوشتی مغولان به‌واسطه سلسله حکومت‌های کوچک دچار تفرقه شده بود. سلاطین صفوی کوشیدند کشور را بازسازی کنند و در این راه توفیق یافتند؛ درواقع، این دوره، عصر رواج و رونق سفرهای اروپایی‌ها به ایران است؛ به‌طوری‌که شاه عباس با هدف داشتن یک دولت قوی و کارآمد از این گروه اجتماعی استفاده می‌کرد تا بتواند به اهداف و مقاصد خود برسد. «اروپاییان به‌واسطه مسیحی بودن،



راحت‌تر می‌توانستند در ممالک عیسوی تردد و تجارت نمایند. در این چهارچوب، دربار صفوی چند نفر از اروپاییان را که قابل‌تر می‌دانست برای تجارت ابریشم انتخاب کرد. بدین‌وسیله آن‌ها وارد کار تجارت شدند و به‌زودی، به‌واسطه زیرکی و درستکاری، طوری پیش رفتند که همه رشته امور تجارت در دستان آن‌ها قرار گرفت» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۵). شاه ایران به هیئت‌های مبلغ مسیحی اجازه می‌داد که در سرتاسر دولت و در آزادی کامل کارهای خود را به سرانجام برسانند و همچنین، با اختیار خود در هر جا و هر زمینه‌ای که بخواهند مؤسسه‌های مربوط به خودشان را تأسیس کنند (سانسون، ۱۳۴۶: ۳۴). در این راستا، شاهان صفوی برای اینکه رونق اقتصادی و ثبات را به کشور برگردانند، از گروه‌های اقلیت‌های دینی حمایت می‌کردند و از آن‌ها خراج (مالیات) نمی‌گرفتند؛ چراکه بخش عمده تجارت ایران در آن دوره در دست آن‌ها بود.

«اقلیت ارمنی ساکن ایران جایگاه برجسته‌تری نسبت به اروپاییان داشتند؛ زیرا آن‌ها بهتر می‌توانستند با اروپایی‌ها و کشورهای همسایه تجارت داشته باشند. در این بستر، ارامنه جلفا بر سایر عیسویان مشرق‌زمین امتیازاتی چون حق داشتن ملک یا مالکیت بر دیگر امتیازات اعطایی را داشتند و شاه اجازه نمی‌داد هیچ‌کس با آن‌ها به ناحق برخورد کند و برای راحتی و امنیت آن‌ها، زندگی کردن مسلمانان در منطقه جلفای اصفهان را ممنوع کرد و آن‌ها این آزادی را داشته باشند که مانند ایرانی‌ها لباس بپوشند و یراق، طلا و نقره به اسب‌های سواری خود بیاویزند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۷). بر این اساس، ارامنه جلفای اصفهان نسبت به دیگر اقلیت‌های دینی در زمان شاه عباس دوم از وضعیت بهتری برخوردار بودند و از حق مالکیت آن‌ها دفاع می‌شد و آزادانه قادر به خرید و فروش زمین بودند. با توجه به توضیحات یادشده، می‌توان این‌گونه استنباط نمود: ۱- همه پادشاهان صفوی موافق حضور اقلیت‌های دینی (کنشگر) در کشور بودند و تحت حمایت پادشاهانی چون شاه عباس دوم قرار داشتند؛ به‌طوری‌که وی به ایشان زمین‌هایی برای حضور و فعالیت در ایران بخشید؛ ۲- از دیدگاه سفرنامه‌نویسان غربی، در شهر اصفهان حضور همه اقلیت‌های دینی به‌چشم می‌خورد که در حال فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی بودند و گفت‌وگوهای علمی در آنجا رواج داشت. طبق سفرنامه‌های به نگارش درآمده توسط اروپاییان، اقلیت‌های دینی در عصر صفوی از موقعیت اجتماعی عالی در مقایسه با هم‌تایان خود در کشورهای همجوار از جمله عثمانیان و ازبکان برخوردار بودند و آن‌ها آزادانه می‌توانستند به فعالیت‌های تجاری، دینی، علمی و سیاسی خود بپردازند بدون اینکه با دخالتی از سوی حکومت مرکزی روبه‌رو شوند.



کمپفر یک سیاح و محقق آلمانی بود که در نیمه دوم قرن هفدهم گزارش مفصل، جانبدارانه و قابل اطمینانی از دربار ایران ارائه داد و در آن به وضعیت اقلیت‌های دینی اشاره کرد. او نیز همانند دیگر سفرنامه‌نویسان به خوش‌رفتاری و کیش شخصیت شاهان صفوی از جمله شاه عباس دوم اذعان داشت: «شاه عباس دوم مردی بود دادگر، زیرک، مردم‌جوش. در دوره سلطنت وی هیچ‌کسی اجازه بدرفتاری با مسیحیان نداشت. حتی به شخصیت‌های مطرحی از جمله پیش‌نماز و صدر، حق بدرفتاری و دخالت در امور مسیحیان را نمی‌داد و شیخ‌الاسلامی را که از مهربانی زیاد شاه با مسیحیان خرده می‌گرفت، تهدید کرد که او را مصلوب خواهد کرد» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۳۱). طبق شرح حال وقایع ایرانیان و مسیحیانی که در زمان شاه عباس دوم در اصفهان زندگی می‌کردند، قرائن بر این شواهد بود که این پادشاه از تمام خصلت‌های خوب برخوردار بود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۴۱). در این معنا، کمپفر نیز اوج طلایی حضور اقلیت‌های دینی به‌عنوان کنشگران اجتماعی و اقتصادی را در زمان شاه عباس دوم می‌داند که از بیشترین مواهب آزادی برخوردار بودند. حتی به برخوردهای تند شاه با شیخ‌الاسلام‌ها اشاره دارد که خواستار اعمال سختگیری‌ها و مجازات بیشتر علیه اقلیت‌های دینی بودند.

جدول شماره ۱. صورت‌بندی اقلیت‌های دینی عصر صفوی در سفرنامه‌های غربی (منبع: نویسندگان)

سفرنامه‌ها	زمینه سفر	قشر اقلیت‌های دینی
شادرن (فرانسوی)	تجاری	مسیحیان و زرتشتی‌ها
پیترو دلاواله (ایتالیایی)	استراتژیک	مسیحیان، زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها
دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا (اسپانیایی)	سیاسی	مسیحیان، زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها یعقوبیان و نسطوری‌ها
آدام اولناریوس (آلمانی)	تجاری	مسیحیان و ارامنه
تاورنیه (فرانسه)	علمی	مسیحیان و یهودی‌ها
انگلبرت کمپفر (آلمانی)	سیاسی	مسیحیان، بودایی‌ها، ارامنه
سانسون (فرانسه)	مذهبی	مسیحیان و ارامنه

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بازنویسی تاریخ هر ملتی، سفرنامه‌ها یکی از منابع مورد استناد محسوب می‌شوند. به‌ویژه سفرنامه‌هایی که توسط سیاحان خارجی به نگارش درآمده باشند؛ زیرا ایشان با دیدی غیریومی، تمامی جزئیات مکان‌ها، آدم‌ها و وقایعی را که دیده‌اند ذکر می‌کنند. در این پژوهش سعی شد به این پرسش پاسخ داده شود که تلقی سفرنامه‌نویسان عصر



صفوی از وضعیت اقلیت‌های دینی چگونه بوده است؟ برای پاسخ، در سراسر متن نشان دادیم که در اکثر ادوار تاریخی دولت صفوی وضعیت دینی، سیاسی و اقتصادی اقلیت‌ها در شرایط مساعد و مطلوبی قرار داشت. با آنکه دولت بر سر قدرت، متکی به ایدئولوژی رسمی شیعی بود؛ اما پادشاهان صفوی به‌طور عام و شاه عباس دوم و سلطان سلیمان یکم به‌طور خاص، متوجه این موضوع بودند که اگر بخواهند یک دولت کارآمد و قوی داشته باشند، باید از این اقلیت‌های دینی حمایت کنند. به همین دلیل، آن‌ها را در انجام مراسم و مناسک مذهبی آزاد گذاشتند تا جایی که به این گروه حق مالکیت داده شد بتوانند معابد و کلیساهای خود را در کشور برپا کنند؛ زیرا آن‌ها می‌توانستند با کشورهای همسایه و اروپایی به دادوستد بپردازند و در این میان، اخبار و توان اقتصادی کشورها را به اغیار منتقل نمایند.

یکی از برجسته‌ترین نکات مطرح‌شده در سفرنامه‌های دوره صفوی، جایگاه ویژه اقلیت‌های دینی در دستگاه حکومتی و اجتماعی ایران بود. شواهد تاریخی حاکی از آن است که حتی در مواقع بحرانی و حساس، غیرمسلمانان نیز می‌توانستند به مقام‌ها و مناصب مهمی دست یابند. برای نمونه، بزرگ‌ترین جواهرشناس دربار شاه عباس یکم فردی مسیحی بود که مسئولیت ارزش‌گذاری جواهرات سلطنتی را بر عهده داشت. این تسامح دینی در موارد متعددی خود را نشان می‌داد. از جمله می‌توان به رفتار شاه عباس با مسیحیانی اشاره کرد که به دلیل مشکلات مالی، قادر به پرداخت جزیه نبودند. برخلاف رویه معمول، شاه به‌جای اجبار آنان به تغییر دین، با بخشش و مدارا رفتار کرد. سفرنامه سیاحان اروپایی گواهی می‌دهند که بسیاری از پادشاهان مقتدر صفوی نه‌تنها با حضور فعال اقلیت‌های دینی مخالفتی نداشتند، بلکه از آنان حمایت نیز می‌کردند. این حمایت گاهی به شکل اعطای زمین و امتیازات ویژه تجاری ظاهر می‌شد.

شهر اصفهان به‌عنوان پایتخت صفویان، نمونه بارزی از این چندفرهنگی بود. در این شهر، پیروان ادیان مختلف آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و علمی مشغول بودند و محافل علمی آنجا محل تبادل آرا بین ادیان مختلف به‌شمار می‌رفت. مقایسه گزارش‌های سیاحان اروپایی حاکی از آن است که وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران عصر صفوی به‌مراتب بهتر از همسایگانش مانند عثمانی و ازبکستان بود. در ایران، اقلیت‌ها از آزادی قابل توجهی در انجام فعالیت‌های مذهبی، اقتصادی و حتی سیاسی برخوردار بودند؛ بدون آنکه حکومت مرکزی مداخله محسوسی در امور آنان داشته باشد.



در بررسی اهداف سفر سیاحان اروپایی به ایران، می‌توان تنوع قابل‌توجهی مشاهده کرد. براساس اسناد موجود، سفرهای شاردن و اولتاریوس عمدتاً با انگیزه‌های تجاری صورت گرفته بود. در مقابل، فیگوئرو و کمپفر با اهداف سیاسی به ایران آمدند و در پی ایجاد روابط سیاسی بین ایران و اروپا علیه امپراتوری عثمانی بودند. سانسون نماینده گروهی بود که با اهداف و مقاصد مذهبی سفر می‌کرد و هدفش تبلیغ آیین مسیحیت در ایران بود؛ اما در میان همه این سیاحان، تاورنیه با انگیزه‌های علمی برای توسعه دانش جغرافیایی و نقشه‌کشی، راهی ایران شد. این ویژگی، سفر او را از دیگر جهانگردان هم‌دوره‌اش متمایز می‌ساخت.

منابع

- احمدیان دلاویز، حسن (۱۳۹۷). *تعامل حکومت صفویه با اقلیت‌های دینی و مذهبی*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- الگار، حامد (۱۳۹۶). *دین و دولت در ایران*. ترجمه ابوالقاسم سری. چاپ چهارم. تهران: توس.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹). *سفرنامه شاه خونین اصفهان*. ترجمه حسین کردبچه. ۲ جلد. تهران: شرکت کتاب.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. چاپ دوم. اصفهان: کتابخانه سنایی.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). *سفرنامه*. ترجمه شجاع‌الدین شفاء. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- رحمتی، اصغر (۱۳۹۹). *موقعیت اجتماعی بازرگانان در ایران عهد صفویه*. محسن رحمتی، رساله دکتری، تاریخ گرایش ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان.
- سانسون، نیکلاس (۱۳۴۶). *سفرنامه*. ترجمه تقی فضلی. اصفهان: بی‌نا.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵). *سیاحت‌نامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- طالبی طاهر، محمدرضا (۱۴۰۱). *بررسی چگونگی تعامل حکام صفوی با اقلیت‌های دینی (زرتشتیان و یهودیان)*. انوش مرادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه گیلان.
- عزیزی، ستار (۱۳۸۵). *حمایت از اقلیت‌های دینی در حقوق بین‌الملل*. همدان: نورعلم.
- عمید زنجان، عباسعلی (۱۳۷۰). *حقوق اقلیت‌ها*. چاپ پنجم. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- فوران، جان (۱۳۹۲). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب*. مترجم احمد تدین. چاپ چهاردهم. تهران: رسا.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه*. مترجم غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه*. ترجمه کیکاووس جهاندار. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷). «روش مقایسه‌ای»، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*. به اهتمام عباس منوچهری و همکاران. تهران: سمت: ۳۰۰-۲۵۴.
- مسیحا، عباس؛ زندیه، حسن (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل مناسبات صفویان با اقلیت‌های مسیحی در ایران از ۹۰۷ تا ۱۱۰۰ ق»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام*. سال هجدهم. شماره هفتاد و دو: ۱۹۰-۱۴۷.



- نصیرزاده، هادی (۱۳۹۶). بررسی تاریخی وضعیت اقلیت زرتشتی عصر صفویه، در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (با تکیه بر عصر شاه عباس اول). طاهره رحیم‌پور ازغدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی.

- Almond, G. A., & Powell, B. B.; (1966). *Comparative Politics: A Developmental Approach*. Boston: Little, Brown and Company.
- Floor, Willem and HerzÍg, Edmund (2012). *Iran and the World in the Safavid Age*. London: LB.Tauris & Co. Ltd.
- Fox, J. (2008). *A World Survey of Religion and the State*. Cambridge University Press.
- Lijphart, A. (1971). "Comparative Politics and the Comparative Method". *American Political Science Review*. 65 (3): 682-693.
- Marsh, David and Stoker, Gerry; (2010). *Theory and Methods in, Political Science*. New York: Palgrave Mc Millan.
- Stevens, Roger (2021), "European Visitors to the Safavid Court". *Iranian Studies*. 7 (3-4): 421 – 457. DOI: <https://doi.org/10.1080/00210867408701475>.
- Tiburciom, Alberto (2022). *Muslim-Christian Polemics in Safavid Iran*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Wirth, L. (1945). *The Problem of Minority Groups*. In *The Science of Man in the World Crisis*. Columbia University Press.

